

تأثیر پذیرش نظریه انقلاب نسبت در احکام تداخل عده^۱

سید محمد رضوی^۲

چکیده

در مصادیق متعدد برای عده زن، اگر دو سبب وجود داشته باشد، محل اختلاف است که عده‌ها تداخل می‌کنند و رعایت یک عده بر زن واجب و لازم است؛ یا این که عده‌ها تداخل نمی‌کنند؟ این اختلاف ناشی از تعارض ادله است. از سوی دیگر، زمانی که بین دو دلیل، تعارض مستقری وجود داشته باشد و دلیل سوم با ورود خود این نسبت را به عموم و خصوص مطلق تغییر دهد، در کیفیت رفع تعارض نظر واحدی وجود ندارد. برخی از اصولیان، کبرای انقلاب نسبت را قبول ندارند و برخی آن را پذیرفته‌اند؛ برخی دیگر هم با توجه به دلیل سوم و با شرایطی آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در این مقاله که با شیوه تحلیلی و با تکیه بر منابع دست اول فقهی و اصولی به انجام رسیده است، تبیین می‌شود که یکی از خاستگاه‌های اختلاف در احکام تداخل عده، اختلاف در پذیرش نظریه فوق می‌باشد؛ بدین معنی که با پذیرش نظریه و سنجش گروه اول از ادله متعارض با گروه دوم، نسبت آن با گروه سوم از ادله تغییر می‌کند و از تباین به عموم و خصوص مطلق تبدیل می‌شود و امکان تخصیص و جمع دلالی فراهم می‌آید.

واژگان کلیدی

انقلاب نسبت، تعارض، عده، طلاق بائن، طلاق رجعی، تداخل عده

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۲

razavi1213@birjand.ac.ir

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند

مقدمه

یکی از مسائل عبادی اسلام که به دلیل رعایت آن، زن مستحق پاداش خداوند می‌شود، لزوم و وجوب رعایت عده است (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۳۶) این وجوب و لزوم از برخی آیات قرآن نظیر آیه ۴ سوره طلاق و ۲۳۴ سوره بقره استفاده می‌شود. تداخل عده یکی از مسائلی است که علاوه بر بحث‌های تئوریک، در دادگاه‌ها و دفاتر ازدواج نیز زیاد مشاهده می‌شود و آن گونه که برخی فقیهان معاصر هم بیان کرده‌اند، یکی از مشکلات مهم در عصر ما محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۴، ص ۸۱) و در موارد عدیده‌ای در احکام آن تردید و شبهه وجود دارد. این تردیدها و اختلافات ناشی از شیوه فقیهان در جمع بین ادله متعارض است. در جمع یک دلیل عام با دلیل خاص دیگر، عام بر خاص حمل می‌شود؛ اما در برخی موارد در کنار دلیل عام چند دلیل خاص وجود دارد. در این صورت، اگر رابطه عام با هر دو خاص، عموم و خصوص من وجه باشد، بدون خلاف باید بین آن‌ها اعمال ترجیح کرد؛ امکان جمع ادله وجود ندارد. این نسبت اگر عام و خاص مطلق باشد، بین ادله جمع می‌کنند؛ مگر این که محذور لغویت پیش آید (انصاری، ۱۴۲۷ هـ، ج ۴، ص ۱۰۳) برای جمع بین ادله به نظر مشهور اصولیان هر دو دلیل را مخصص حکم عام قرار می‌دهیم، اما به نظر برخی دیگر برای جمع باید ابتدا عام را با خاص اولی تخصیص زده، سپس عام تخصیص خورده را با خاص دوم ملاحظه نماییم. با این کار، رابطه عام که سابقاً با دلیل دوم عموم و خصوص مطلق بود، تبدیل به عموم و خصوص من وجه می‌شود؛ لذا باید بینشان اعمال ترجیح کرد.

بیان مسأله

انقلاب نسبت در جایی است که میان دو دلیل تعارض مستقر وجود دارد؛ اما بعد از تخصیص یا تقیید یکی از دو دلیل به وسیله دلیل سوم، نسبت آن‌ها از تعارض مستقر به تعارض غیر مستقر تبدیل می‌گردد (خراسانی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۳، ص ۲۳۵). به بیان دیگر، انقلاب نسبت در جایی است که دو دلیل در حکمی از احکام شرعی تعارض نمایند؛ آن گاه دلیل مخصص یا مقیدی بر یکی از آن‌ها مقدم گردد. در این صورت، بعد از تخصیص یا تقیید،

نسبت موجود میان آن دو دلیل منقلب می‌گردد. برای مثال، اگر نسبت میان دو دلیل متعارض تباین باشد، بعد از تخصیص یا تقیید یکی از آن دو، نسبت میان آن‌ها به عموم و خصوص مطلق منقلب می‌گردد؛ مانند آن که دلیلی بر وجوب اکرام علما (یجب اکرام العلما) و دلیل دیگری بر حرمت اکرام علما (یحرم اکرام العلما) و دلیل سومی بر وجوب اکرام عادل (یجب اکرام العالم العادل) دلالت کند. در این مثال، نسبت بین دو دلیل اول، تباین است؛ ولی بعد از تخصیص دلیل اول به وسیله دلیل سوم و اخراج عالم عادل از آن، نسبت بین دلیل اول و دوم از تباین به عموم و خصوص مطلق منقلب می‌گردد.

در مخصص منفصل لفظی، انقلاب نسبت پدیدار نمی‌شود؛ زیرا وجهی برای تقدیم سنجش عام با یکی از ادله خاص نسبت به دلیل دیگر وجود ندارد. به عبارت دیگر، به همان علتی که می‌توان دلیل اول را ابتدا با عام سنجید، می‌توان دلیل دوم را هم ابتدا به همان عام مقایسه نمود. پس در مثال «علما را اکرام کن» و «عالم فاسق را اکرام نکن» و «عالم نحوی را اکرام نکن»، هر دو دلیل خاص بدون ترجیح بر عام مقدم می‌شود. همین نکته در جایی که حکم خاص در یک مورد، متصل لفظی باشد، نیز وجود دارد؛ منتها بر عکس مخصص منفصل، ابتدا مخصص متصل لفظی با حکم عام سنجیده شده می‌شود و سپس بین دلیل خاص دوم و دلیل عام، انقلاب نسبت حاصل می‌شود و می‌توان اعمال ترجیح نمود. برخی از فقیهان در عین حال که کبرای انقلاب نسبت را قبول دارند، می‌گویند اگر دلیل سوم اجماع باشد، نمی‌توان انقلاب نسبت را پذیرفت (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲، ص ۱۰۰). برخی نیز به عنوان قاعده بیان می‌کنند که عام در برخورد با هر کدام از خاص‌ها باید جداگانه مورد سنجش قرار گیرد (خراسانی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۳۳۷).

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- عده

مدت زمانی است که در آن زن پس از اطلاع از حدوث یک عمل یا واقعه حقوقی خاص (طلاق، وفات، وطی به شبهه، فسخ) برای کسب جواز شرعی نکاح یا برخی احکام دیگر باید انتظار بکشد؛ وی در آن مدت، شرعاً مجاز به نکاح نیست و برخی احکام خاص دیگر

بر او مترتب می‌شود.

۲- و طی به شبهه

عمل زناشویی را گویند که شخص با تصور وجود علقه زوجیت انجام داده است. حال این تصور اشتباه ممکن است در زمان فقدان عقد و ناشی از امور خارجی باشد، یا عقدی هم بوده باشد، لکن به دلیلی فاسد باشد مثلاً زن در حال عده باشد، یا زن و مرد خواهر رضاعی باشند و به این موضوع آگاهی نداشته باشند.

۳- انقلاب نسبت

آن گونه که در مقدمه هم بیان شد، تبدیل نسبت بین دو دلیل از عام و خاص مطلق به عام و خاص من وجه در نتیجه ورود دلیل سوم را انقلاب نسبت می‌گویند. در این فرض، دلیل سوم با ورودش موجب می‌شود تکلیف مجتهد در مقام دفع تعارض تفاوت کند و به جای جمع بین ادله در عام و خاص مطلق، به اعمال ترجیح در عام و خاص من وجه روی آورد.

۴- تداخل عده

مراد از تداخل عده این است که در اجتماع دو سبب برای عده، عده اقل تحت اکثر داخل شود و در نتیجه مراعات اکثر کفایت کند. عدم تداخل نیز به معنای عدم کفایت اکثر است؛ بلکه برای هر کدام از عدد باید زمان جداگانه‌ای مراعات شود.

صور مختلف تداخل عده

تداخل عده صور مختلفی دارد که در ذیل به تفصیل آنها پرداخته خواهد شد.

۱- تداخل عده از ناحیه زوج

زوج در زمان عده می‌تواند با زوجه سابق خود ازدواج کند و ظهور روایات، حکمت حکم و انصراف، همه دلالت می‌کند بر این که نکاح در عده غیر جایز نیست، نه در عده نفس/مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ، ج۲، ص ۱۲). بنابراین تداخل عده از ناحیه زوج نیز در موارد ذیل متصور است:

الف- تداخل دو عده طلاق

از آنجا که در عده طلاق بائن و در عده عقد موقت، مطلق می‌تواند با زن سابق خود مجدداً ازدواج کند، این بحث به وجود می‌آید که اگر پس از طلاق بائن مطلق اقدام به نکاح مجدد کند و قبل از انقضای مدت عده طلاق اول، دوباره زن را طلاق دهد، آیا زن فقط عده نکاح سابق را تکمیل می‌کند یا باید عده سابق را هم تکمیل کند و در ادامه عده جدیدی برای نکاح جدید شروع نماید، یا از تاریخ طلاق دوم شروع به عده فقط برای نکاح جدید کند. در پاسخ به این مسأله می‌توان اظهار کرد در صورتی که در نکاح جدید عمل زناشویی انجام شده باشد، قطعاً زن نمی‌تواند به تکمیل عده طلاق اول اکتفا نماید؛ بلکه باید برای طلاق دوم عده جدیدی شروع کند. در فرضی که در نکاح جدید عمل زناشویی انجام نشده است، نیز آن گونه که برخی فقیهان بیان کرده‌اند (صافی، ۱۴۱۶ هـ.ج. ۲، ص ۵۰۹)، نباید زن را در طلاق دوم، زن غیر مدخوله فرض کرد؛ بلکه در این حالت نیز قطعاً زن عده دارد، لکن به نظر می‌رسد تکمیل عده سابق کفایت کند. برخی فقیهان نیز هرچند این احتمال را پذیرفته‌اند، لکن قول برخی فقیهان مبنی بر عدم وجوب عده بر این زن را قوی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ هـ.ج. ۵، ص ۲۶۹) و در جای دیگر از سرگیری عده را حتی در فرض عدم دخول به امامیه نسبت داده‌اند (همان، ص ۲۷۷)؛ برخی دیگر نیز در فرضی که طلاق اول بائن باشد و در ایام عده با عقد جدید زن را به عقد خود درآورد و سپس قبل از دخول طلاق دهد، سقوط طلاق را به اکثر نسبت داده‌اند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۵)؛ زیرا معتقدند با تحقق فراش جدید عده اول از بین رفته و عقد دوم نیز دلیلی برای عده ندارد و زن غیر مدخوله بوده است و در نتیجه تحت عموم آیه ۴۹ سوره احزاب قرار می‌گیرد. برخی دیگر از فقیهان نیز با استفاده از همین آیه صراحتاً وجود عده برای چنین زنی را نفی کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۰ هـ.ج. ۲، ص ۷۴۸؛ حلی، ۱۴۰۸ هـ.ج. ۳، ص ۳۵)؛ لکن حکم به فقدان عده در عکس مسأله را که در آن، مرد در زمان عده رجوع کند و سپس قبل از زناشویی زن را به طلاق خلع طلاق دهد، بر خلاف برخی از فقیهان بزرگ (طوسی، به نقل از: حلی، ۱۴۰۸ هـ.ج. ۲، ص ۳۵) بعید دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۸ هـ.ج. ۳، ص ۳۵). نظر سومی نیز در مسأله وجود دارد که می‌گوید اگر بعد از این که در زمان عده طلاق خلع، زن را با عقد جدیدی به عقد خود

درآورد و سپس او را طلاق دهد، زن باید عده طلاق اول را تکمیل کند/قاضی/بن براج، به نقل از: نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۳۷۸.

همین مسأله در موردی جاری است که کسی به عقد منقطع زنی را به عقد خود درآورد و بعد از زناشویی، مدت را به او ببخشد و سپس با او ازدواج کند و قبل از دخول او را طلاق دهد؛ در این حالت، زن غیر مدخوله به حساب نمی‌آید؛ بنابراین آن گونه که برخی فقیهان(صافی، ۱۴۱۶ هـ ج ۲، ص ۵۱۰) هم بیان داشته‌اند، نمی‌توان از این طرق به عنوان حيله برای دفع عده زن استفاده کرد تا بدین وسیله زن بتواند در یک روز با چند مرد ازدواج نماید و در تمام ازدواج‌ها هم زناشویی واقع شود.

از همین جا معلوم می‌شود که اطلاق برخی فقیهان در این مورد^۱ موجه نیست و نمی‌توان در طلاق دوم عده‌ای را که از طلاق اول حاصل شده است، نادیده گرفت. همچنین سقوط عده طلاق اول با تحقق فراش جدید فقط در مورد زوج صادق است و نسبت به دیگران عده ساقط نخواهد شد و اگر غرض از عده را استبراء رحم بدانیم این غرض با نکاح جدید با زوج حاصل می‌شود؛ اما پس از طلاق وی برای زوج بعدی چنین غرضی حاصل نیست.

در مصداق دیگر برای تداخل ممکن است زوج در ایام عده رجعی در نکاح دائم اقدام به انعقاد نکاح موقت نماید؛ نظیر این مورد در دادگاه‌ها مشاهده شده است. برخی فقیهان در این مورد می‌گویند اگر «طلاق باین» باشد می‌تواند بدون عده او را ثانیاً عقد کند؛ عده داشتن در صحت عقد دیگران شرط است، نه در حق خود زوج. و اگر «طلاق رجعی» باشد، تجدید عقد در حکم رجوع است و ظاهر این است که عقد ثانی صحیح نیست، و رجوع می‌شود به زوجیت اولی(قمی، ۱۴۱۳ هـ ج ۴، ص ۳۹۷) و به همین دلیل از ناحیه عقد دوم، زن استحقاق مهریه پیدا نمی‌کند. دلیل بطلان عقد دوم، علاوه بر اصل فساد در معاملات،

۱- برخی فقیهان مسأله را با این احتمال مطرح کرده‌اند که اگر زن را طلاق باین دهد و سپس در ایام عده او را با عقد جدید به نکاح خود درآورد و قبل از دخول طلاق دهد، سقوط عده از این زن بعید نیست؛ زیرا مورد مشمول ادله‌ای است که بر سقوط عده از زن غیرمدخوله دلالت دارد و برای استبراء نیز همان حیض متقدم بر طلاق کفایت می‌کند(کاشف/الغطاء، ۴۲۲ هـ ص ۶۷).

این است که در نتیجه عقد، باید زن و مردی که تا امروز بر هم حرام بوده‌اند، محرم شوند؛ اما در این فرض، زن و مرد محرم یکدیگر هستند و احکام زوجیت بر ایشان بار می‌شود. به همین دلیل، برخی فقیهان می‌گویند رجوع در عده رجعی به منزله فسخ نکاح است نه سبب انشای نکاح جدید؛ لذا می‌توان طلاق دوم را طلاق زن مدخوله دانست و در نتیجه زن باید با طلاق، عده جدیدی را شروع نماید/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۲، ص ۳۷۷.

برخی فقیهان نیز عقد در حال عده رجعی را در حکم رجوع ندانسته‌اند، یا در آن تردید کرده‌اند/حلی، ۱۴۲۰هـ ج ۴، ص ۱۷۱ و این نظر در صورتی که اثبات شود قصد شوهر از اجرای صیغه رجوع نبوده است، قولی متین به نظر می‌رسد؛ زیرا رجوع یک عمل حقوقی و یکی از ایقاعات می‌باشد و برای صحت نیازمند اراده معتبر است.

ب- تداخل عده طلاق و عده وفات

اگر زوج در عده طلاق فوت کند، این سؤال پیش می‌آید که زن باید عده طلاق را تکمیل کند یا باید عده وفات را شروع نماید؟ برخی بیان کرده‌اند بلاخلاف عده طلاق به عده وفات منتقل می‌شود/طوسی، ۱۳۸۷هـ ج ۵، ص ۲۷۷ و به نظر برخی، در این مورد باید بین طلاق رجعی و طلاق بائن تفاوت گذاشت؛ در طلاق رجعی، زن عده وفات نگه می‌دارد/طوسی، ۱۴۰۰هـ ص ۵۳۶؛ لکن در طلاق بائن، عده طلاق را ادامه می‌دهد/فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۹؛ حکیم، ۱۴۲۷هـ ص ۱۲۶. همین حکم در موارد شبیه به طلاق بائن، مثل عده نکاح موقت، نیز جاری است/حلی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۷۳۴؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲هـ ص ۴۴. به نظر می‌رسد دلیل مسأله این باشد که زن در طلاق رجعی در حکم زوجه است^۱. برخی نیز به عنوان دلیل، به آیه «وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَ يَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴) اشاره کرده‌اند.

۱- در برخی روایات صراحتاً به این نکته اشاره شده است که در طلاق رجعی زن در حکم زوجه است؛ به عنوان مثال، در یکی از روایات آمده است: هی امرأته ما لم ینقض عدتها؛ به همین دلیل حکم به توارث، جواز نظر و سایر احکام شده است. با پذیرش این که معتده رجعی زوجه محسوب می‌شود و کبرای کلی مستفاد از آیه «وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَ يَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴) این نتیجه به دست می‌آید که مطلقه رجعی باید عده وفات نگه دارد/سبجانی، ۱۴۱۴هـ ص ۲۷۴.

کیفیت تأثیر جریان نظریه انقلاب نسبت

در عده طلاق رجعی نظریه انقلاب نسبت قابل جریان نیست؛ زیرا در این مورد، بین روایات تعارضی وجود ندارد. آنچه محل بحث است، طلاق بائن است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. البته در این مورد روایاتی وجود دارد که مسأله را به صورت مطلق بیان کرده و بین طلاق بائن و رجعی تفاوتی ننهاده است؛ شیخ طوسی در کتاب *الاستبصار* در بابی که با همین عنوان گشوده است سه روایت را نقل کرده است و در پایان با ذکر یک روایت که در آن از حکم طلاق رجعی از امام علیه السلام سؤال شده است، احتمال حمل روایات مطلق بر مقید را به برخی نسبت داده است (طوسی، ۱۳۹۰ هـ ج ۳، ص ۳۴۴).

با پذیرش نظریه انقلاب نسبت در طلاق بائن از یک بعد دیگر نیز می‌توان مسأله را مورد بررسی قرار داد؛ بدین صورت که در مورد مطلقه بائن سه گروه روایات وجود دارد:

- روایات گروه اول روایاتی که می‌گویند مطلقه بائن اگر شوهرش فوت کند، ابعداجلین را به عنوان عده باید مراعات کند.
- روایاتی که می‌گویند مطلقه بائن باید سه طهر یا سه ماه عده نگه دارد؛ خواه در ایام عده، زوج فوت کند خواه فوت نکند.
- گروه سوم روایاتی که می‌گویند زن حامله اگر شوهرش فوت کند، باید ابعداجلین را مراعات کند؛ خواه طلاق داده شده باشد، خواه در نکاح مرد باشد و طلاق نیز خواه بائن باشد، خواه رجعی.

در این حالت، روایات گروه اول و دوم با هم در تعارض هستند و اگر روایات گروه اول را با گروه سوم مقید نماییم، روایات گروه دوم سالم از معارض باقی خواهند ماند. در فرضی که به علت غیبت شوهر، دادگاه حکم طلاق زن را صادر می‌کند، زن باید عده طلاق نگه دارد. در این صورت اگر در اثنای عده طلاق کشف فوت شوهر شود، به

۱- برخی فقیهان نیز در توجیه ابعداجلین در روایات گروه اول، آن را بر زن مطلقه‌ای که حامله باشد، حمل کرده‌اند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ ص ۴۴). به نظر می‌رسد تنها دلیل توجیه نیز همین قضیه باشد؛ والا وجهی برای چنین توجیه و جمعی وجود ندارد.

نظر می‌رسد که اگر عده طلاق زن عده رجعی باشد، زن باید از تاریخ رسیدن خبر وفات عده وفات نگه دارد؛ لکن اگر عده بائن باشد، عده وفات ضرورت ندارد و همان عده طلاق را تکمیل می‌کند؛ لکن برخی فقیهان به صورت مطلق فتوی داده و شروع عده وفات را مطابق احتیاط و تکمیل عده سابق را اقوی دانسته‌اند (صافی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۲، ص ۵۰۷).

ج- تداخل عده طلاق و عده وطی به شبهه

فرض اول- در طلاق بائن

اگر کسی در حال عده بائن از روی شبهه با زن مطلقه خود نزدیکی نماید، در این صورت دو عده در یکدیگر تداخل کرده است (حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۳۵) و زن از زمان حدوث سبب جدید عده جدیدی را شروع می‌نماید، بدون این که بخواهد عده سابق را تکمیل کند. البته برخی فقیهان احتیاط را در عدم تداخل دانسته‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۲، ص ۵۰۹) که به نظر می‌رسد چون شروع عده از زمان وطی به شبهه خواهد بود و زمان اکثر برای عده محاسبه خواهد شد، نظریه تداخل نیز از این جهت به احتیاط نزدیک خواهد بود. مرحوم صاحب جواهر در این مورد بیان کرده است «قبل از محقق حلی برای این نظریه قائلی پیدا نکردیم» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۲، ص ۲۸۰)؛ البته آن گونه که تتبع در کتب فقهی فقیهان مقدم بر محقق حلی نشان می‌دهد، سابق بر ایشان اصلاً کسی متعرض بیان حکم مسأله نشده است، نه این که چنین قولی وجود نداشته باشد.

عکس قضیه فوق نیز صادق است؛ یعنی ممکن است مرد در عده وطی به شبهه، زن را به عقد خود در آورد و سپس او را طلاق دهد. در این صورت اگر در عقد جدید، زناشویی واقع نشده باشد، طلاق بائن است و زن عده وطی به شبهه را کامل می‌کند لکن در صورتی که زناشویی شده باشد، چه طلاق بائن باشد و چه رجعی، باید از حین سبب جدید عده جدیدی را شروع کند؛ لکن این عده با عده وطی به شبهه تداخل خواهد کرد.

فرض دوم- در طلاق رجعی

شاید در نگاه اول به ذهن بیاید که در طلاق رجعی قابلیت جمع بین عده شبهه و عده طلاق وجود ندارد؛ لکن باید گفت در دو مورد ذیل می‌توان اجتماع دو عده را تصور کرد:

حالت اول این که ابتدا وطی به شبهه صورت گیرد و در ایام عده وطی به شبهه زن و مرد با یکدیگر ازدواج کامل کرده و بعد از زناشویی طلاق رجعی واقع شود.

حالت دوم ابتدا طلاق رجعی واقع شود، لکن شوهر به صورت شبهه با زن زناشویی انجام دهد. در این صورت چون قصد رجوع مفروض نیست، وطی در زمان عده رجوع به نکاح سابق محسوب نشده و در نتیجه دو عده اجتماع خواهند کرد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲هـ ص ۶۶). به همین دلیل است که اگر در ایام عده رجعی وطی به شبهه صورت گیرد و زن حامله شود، وضع حمل پایان عده برای هر دو عنوان محسوب خواهد شد. در مورد تداخل یا عدم تداخل عده در این قسم، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد؛ لکن آنگونه که برخی فقیهان بیان کرده‌اند قول تداخل قول اصح است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۵)؛ زیرا هر چند اسباب عده متعدد است، لکن این اسباب از یک ناحیه ایجاد شده است و لذا تأثیر واحد خواهد داشت.

د- تداخل عده طلاق و عده فسخ

در مواردی که عقد نکاح به دلیل وجود یکی از اسباب فسخ توسط یکی از طرفین فسخ شود، در فرض تحقق زناشویی، زن باید عده فسخ را که به میزان عده طلاق است، نگه دارد (خوئی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۳۰۲). به همین دلیل در صورتی که در ایام عده رجعی یکی از زوجین عقد نکاح را فسخ نماید، عده فسخ نکاح و عده طلاق اجتماع می‌کنند. در این که از زمان فسخ، عده جدیدی لازم است یا همان عده طلاق را تکمیل می‌کند، دو احتمال وجود دارد؛ از یک طرف فسخ مثبت جدایی زوجین است و رجوع هم محسوب نمی‌شود؛ در نتیجه فسخ نمی‌تواند موثر در مقام باشد و بالنتیجه همان عده طلاق کفایت می‌کند؛ از سوی دیگر، فسخ سبب جدیدی برای عده است و حدوث سبب نیازمند عده جدید خواهد بود. در این مورد، به نظر می‌رسد احتمال اول ترجیح دارد؛ زیرا وقتی در رجوع بدون زناشویی تداخل را بپذیریم، به طریق اولی می‌توان در فسخ تداخل و اکتفای به عده واحد را پذیرفت؛ زیرا در رجوع یقیناً نکاح سابق بازگشت می‌کند؛ حال آن که در فسخ شبهه بازگشت نکاح سابق وجود ندارد.

۲- تداخل عده از ناحیه زوج و غیر زوج

الف- زن معتده

مهمترین مصداق تداخل عده از ناحیه زوج و غیر زوج زمانی است که زنی در حال عده با مرد دیگری ازدواج کند. در این صورت، اگر با علم و اطلاع نسبت به عده و احکام آن با مرد دوم ازدواج کند، ازدواج دوم قطعاً باطل است و احکام زنا بر آن مترتب خواهد شد (طوسی، ۱۳۱۷ هـ.ج، ص ۲۴۵)؛ لکن در فرضی که زن به یکی از دو امر فوق جاهل باشد و با مرد دوم ازدواج کند و در زمان عده متوجه بطلان ازدواج خود شود، در فرضی که در ازدواج باطل عمل زناشویی انجام شده باشد، باید برای این ازدواج باطل عده شبیه نگه دارد. در نتیجه، دو عده یعنی عده طلاق اول و عده وطی به شبیه بر زن لازم خواهد بود (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ج، ص ۱۷۶). اما این که در مورد اخیر، این دو عده تداخل می‌کند و در مقام عمل یک عده برای زن کافی است یا خیر، محل اختلاف فقیهان است:

برخی عدم تداخل عده را پذیرفته (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ج، ص ۱۷۶) و بر آن ادعای اجماع کرده‌اند؛ حتی در طلاق بائن اگر با زنی که در عده طلاق بائن است، از روی شبیه نزدیکی شود، در این صورت باید ابتدا عده طلاق بائن تکمیل شود و سپس عده وطی شبیه آغاز گردد. کیفیت تأثیر نظریه انقلاب نسبت بر حکم این مورد در ادامه مطرح می‌شود.

کیفیت تأثیر جریان نظریه انقلاب نسبت

درباره تزویج در عده دایم سه گروه روایات وجود دارد:

- گروه اول از روایات به طور مطلق حکم به تداخل می‌کند، صحیحه و موثقه زراره برخی از این موارد است. در یکی از روایات آمده است: *عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام فی امره تزوجت قبل ان تنقضی عدتها قال: یفرق بینهما و تعدد عده واحده منهما جمیعاً (طوسی، ۱۳۹۰ هـ.ج، ص ۱۸۸)*. این روایت آن گونه که فقیهان هم بیان کرده‌اند (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ج، ص ۳۳۹)، صحیح و قابل استناد است.

- گروه دوم: به طور مطلق حکم به عدم تداخل می‌کند، موثقه محمد بن مسلم و صحیحه علی بن رئاب از این گروه هستند. به عنوان مثال، محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل

کرده است که از ایشان سؤال شد در باره مردی که در حال عده زنی را به عقد خود درمی آورد؛ امام در پاسخ فرمود: اگر عمل زناشویی انجام شده باشد، از یکدیگر جدا می‌شوند و هیچگاه بر یکدیگر حلال نمی‌شوند و عده‌اش را از ابتدا تمام می‌کند و عده دیگری برای مرد دیگر شروع می‌کند و اگر زناشویی نشده باشد، از آن مرد جدا می‌شود و عده مرد اول را تکمیل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ج، ص ۴۲۸).

- گروه سوم بین عده وفات و عده طلاق تفکیک قائل شده بیان داشته‌اند اگر در عده وفات تزویج شود، دو عده تداخل نمی‌کنند، مثال برای این قسم حسنه یا صحیحه/بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ج، ص ۲۳) است: از امام در مورد زن حامله‌ای سؤال کردم که بعد از این که زوجه فوت می‌کند وضع حمل کرده و بعد از وضع حمل و قبل از این که ۴ ماه و ۱۰ روز بگذرد، اقدام به ازدواج می‌کند. امام علیه السلام در جواب فرمود: اگر مرد با وی زناشویی کرده باشد، از هم جدا می‌شوند و ابدأ بر وی حلال نخواهد بود و باید باقیمانده عده اولی را تمام کند و سپس عده دیگری را (سه طهر) برای فرد دوم شروع کند و اگر با وی زناشویی نکرده باشد، از یکدیگر جدا می‌شوند و عده اولی را تکمیل می‌کند و سپس می‌تواند با وی ازدواج کند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ج، ص ۴۲۷).

هرچند وجوه متعددی برای جمع بین این سه گروه روایت بیان شده است (روحانی، ۱۴۱۲ هـ.ج، ص ۲۱)؛ لکن آن گونه که برخی فقیهان بیان کرده‌اند، گروه سوم از روایات نسبت به دسته اول اخص مطلق است، در نتیجه آن را تخصیص زده، مخصوص غیر عده وفات می‌کند. پس از تخصیص یافتن دسته اول، نسبت این دسته با دسته دوم تغییر می‌کند و از تباین به عموم و خصوص مطلق تبدیل می‌شود، و با توجه به خاص بودن دسته اول، دسته دوم را تخصیص زده، مخصوص به عده وفات می‌گرداند (طباطبایی، ۱۴۲۶ هـ.ج، ص ۶۳۹). نتیجه بحث این می‌شود که اگر در عده وفات تزویج شود و وطی به شبهه صورت گیرد، عده وفات و عده شبهه با هم تداخل نمی‌کنند. ولی در سایر اقسام عده، اگر تزویج صورت گیرد، دو عده با هم تداخل می‌کند.

اما اگر بتوانیم گروه سوم از روایات را تفکیک کرده، به دو گروه تقسیم نماییم، مسأله از مجرای انقلاب نسبت خارج می‌شود و پذیرش یا عدم پذیرش انقلاب نسبت در حکم آن

تأثیری نخواهد داشت. برای تفکیک باید گفت روایات گروه سوم دو قسم است:

- قسم اول، روایاتی که دلالت بر تداخل در غیر عده وفات دارند.

- قسم دوم، روایاتی که دلالت بر عدم تداخل در صورت تزویج در عده وفات دارند.

در این صورت، روایات قسم اول می‌تواند گروه اول از روایات مطلق را مقید کند و قسم دوم نیز گروه دوم از روایات مطلق را قید می‌زند و در نتیجه، قول به تفصیل به دست می‌آید؛ یعنی عده وفات و شبهه با یکدیگر تداخل نمی‌کنند، لکن عده طلاق و شبهه تداخل می‌نمایند.

اجرای اصل در فرض عدم پذیرش انقلاب نسبت

در فرض عدم رفع تعارض به وسیله نظریه انقلاب نسبت، و در صورتی که در یکی از ادله موجود ترجیحی نباشد،^۱ مسأله تداخل اسباب و مسببات پیش می‌آید که بر اساس آن مقتضای قاعده تداخل است مگر این که محل به گونه‌ای باشد که قابلیت تداخل نداشته باشد. در این صورت مقتضای اصل، عدم تداخل است؛ زیرا هر یک سبب مستقل برای عده می‌باشند و هر سببی، مسببی را به دنبال دارد؛ لکن به حکم این که محل قابلیت تعدد مسبب را ندارد، پس عقل حکم به تداخل می‌کند (زنجان، ۱۴۱۹ هـ، ج ۶، ص ۱۹۸۰). از سوی دیگر می‌دانیم که یک زمان توانایی پذیرش دو عده را ندارد و ملتزم شدن به تأخیر یکی از دو عده، به دلیل خاص احتیاج دارد که مفروض عدم آن است؛ لذا حکم به تداخل می‌کنیم. اکثر فقیهان (عاملی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ص ۱۷۱) بلکه مشهور ایشان (روحانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲۱، ص ۲۹۶) نیز قاعده را بر عدم تداخل دانسته و بیان کرده‌اند بعد از این که عده اول به پایان رسید، باید عده

۱- در فرض تعارض گروه اول و گروه دوم از روایات، موافقت کتاب با هیچ‌کدام از روایات وجود ندارد؛ مخالفت عامه نیز نمی‌تواند مرجح باشد؛ زیرا آن طور که از کتاب خلاف شیخ طوسی استفاده می‌شود، اقوال عامه نیز مختلف است. در نتیجه، نوبت به مرجح سوم یعنی احادیث می‌رسد که آن هم مجهول است. در نتیجه، باید به اصل عملی رجوع کرد و مقتضای اصل هم عدم وجوب زاید بر واطی است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ هـ، ج ۹، ص ۶۳۹).

شبهه را شروع نماید؛ زیرا تعدد سبب مقتضی تعدد مسبب است (جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۷، ص ۳۳۹).

تأثیر مبدأ وطی به شبهه در تداخل

نکته دیگری که وجود دارد این است که در روایات مبدا عده در طلاق و وفات، زمان حدوث سبب یعنی طلاق و وفات معرفی شده است؛ لکن نسبت به وطی به شبهه چنین تصریحی وجود ندارد، بر این اساس، می‌توان از اطلاق روایاتی که عده را در وطی به شبهه لازم می‌دانند، استفاده کرده، حکم به لزوم عده از زمان وطی داد. به همین دلیل، اگر در زمان واحد، هم وطی به شبهه و هم طلاق حادث شود، از مقتضای اطلاق در وطی به شبهه دست برداشته، مبدا عده وطی را بعد از اتمام عده طلاق در نظر می‌گیریم.

ب- زن شوهر دار

در این فرض، در واقع عده طلاق یا عده وفات بر عده وطی به شبهه ورود پیدا می‌کند؛ لذا اگر زن در حالی که طلاق فاسد داده شده و هنوز در نکاح زوج اول است، با مرد دیگری ازدواج کند و بعداً کشف فساد طلاق او شود، یا این که شوهر اول او را طلاق دهد، لکن در اثنای عده رجوع نماید و زن نیز از رجوع اطلاعی نداشته باشد و با مرد دیگری ازدواج کند (مجموعه نشست‌های قضایی، مسائل حقوق مدنی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۵۹)، در این صورت اگر با مرد دوم زناشویی کند، باید از زمان زناشویی عده وطی به شبهه نگه دارد (طوسی، ۱۳۸۷هـ ج ۵، ص ۱۰۳)؛ لکن اگر شوهر اول نیز زن را طلاق دهد یا فوت کند، در این صورت نیز عده نکاح صحیح و عده نکاح فاسد، یعنی وطی به شبهه، با یکدیگر تداخل می‌نمایند. در این فرض، آن گونه که برخی فقیهان بیان کرده‌اند، روایات دلالت بر تداخل می‌کند؛ یعنی زن فقط یک عده نگه می‌دارد (زنجان، ۱۴۱۹هـ ج ۷، ص ۱۹۶۷). امکان تجدید نکاح برای مرد دوم نیز که در برخی روایات آمده است (طوسی، ۱۳۹۰هـ ج ۳، ص ۱۸۸) در فرض عدم وقوع زناشویی و عدم علم وی می‌باشد؛ هرچند برخی فقیهان معاصر حتی در صورت وقوع زناشویی نیز، با الحاق این وضعیت به شبهه، مشروط بر اینکه صیغه عقد نکاح دوم توسط وکیل جاری شده باشد، امکان تجدید نکاح برای مرد دوم را پذیرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۴، ص ۶۹).

در فرض دیگر در صورتی که زن شوهردار با مرد دیگری ازدواج کند و منتهی به زناشویی شود، مثل این که خبر فوت شوهرش به او برسد و از تاریخ رسیدن خبر عده وفات نگه دارد، لکن بعداً کشف شود شوهر وی فوت نکرده و واقعاً زنده بوده است، در این صورت اگر شوهر اول زن را طلاق دهد یا فوت کند، عده طلاق یا وفات با عده وطی به شبهه (نسبت به شوهر دوم) با یکدیگر تداخل می‌کند (سکافی، ۱۴۱۶ هـ. ص ۲۸۷؛ زنجانی، ۱۴۲۸ هـ. ص ۵۷۸).

علت ایجاد شبهه در وطی به شبهه ممکن است متفاوت باشد. در روایتی که از امام صادق علیه السلام آمده است دو برادر همزمان با دو خواهر ازدواج کرده‌اند، لکن زن برادر اول را اشتبهاً به خانه برادر دوم، و زن برادر دوم را به خانه برادر اول برده‌اند و بعد از مدت زمانی دو برادر فوت کرده‌اند؛ یکی از مسائلی که از امام سؤال می‌شود، کیفیت عده این زنان است. امام در جواب حکم به عدم تداخل کرده، می‌فرماید بعد از این که دو زن از عده اول فارغ شدند، باید عده وفات نگه دارند^۱.

نکته‌ای که در مورد همزمانی مبدأ حدوث طلاق و وطی به شبهه در مورد زن معتده بیان شد در مورد زن شوهردار نیز وجود دارد؛ با این توضیح که اگر در زمان عده وطی به شبهه شوهر، زن فوت کند، زن باید عده وفات نگه دارد و پس از اتمام عده وفات، عده شبهه را شروع نماید (سکافی، ۱۴۱۶ هـ. ص ۲۸۷). دلیل این حکم عدم وجود تصریح درباره مبدأ وطی به شبهه است.

۳- تداخل عده از ناحیه غیر زوج

تداخل عده از ناحیه غیر زوج، مربوط به فرضی است که یک زن در زمانی که در عده وطی به شبهه اول است، با مرد دیگری به همان قسم ارتباط برقرار نماید؛ به عبارت دیگر، این قسم تداخل تنها در دو عده وطی به شبهه قابلیت جریان دارد و اگر یکی از طرفین یا هر دو ارتباط نامشروع و بدون شبهه داشته باشند، از آنجا که زنا عده ندارد، بحثی از تداخل

۱- «ان أبا عبدالله عليه السلام قال في اختين اهديتا لاختين فادخلت امرأة هذا علي هذا و امرأة هذا علي هذا قال: لکن واحدة منهما الصداق بالغشيان (الی ان قال) قيل فان مات الزوجان و هما فی العدة قال: ترثانها و مهما نصف المهر و علیهما العدة بعد ما تفرغان من العدة الاولى تعتدان عدة المتوفی عنها زوجها» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ج ۵، ص ۴۰۷).

عده نیز پیش نخواهد آمد.

تنها فرض دیگری که برای این قسم وجود دارد، فرض وطی به شبهه مکرر از ناحیه یک نفر است (نجفی، ۱۳۱۳هـ.ج، ص ۲۲۶). در این صورت، با توجه به توضیحی که در مورد مبدأ وطی به شبهه داده شد، برای هر وطی، عده از همان زمان آغاز می‌شود؛ لکن چون وطی کننده یک نفر است، عده‌ها با یکدیگر تداخل می‌کنند/خوئی، ۱۴۱۰هـ.ج، ص ۳۰۴ و در نتیجه آخرین وطی ملاک قرار خواهد گرفت (نجفی، ۱۳۱۳هـ.ج، ص ۲۸۰)؛ لکن اگر پس از وطی به شبهه و در مدت عده، مرد فوت نماید، بر خلاف زوجه معتده که عده طلاقش به عده وفات منتقل می‌شود، عده وطی به شبهه به عده وفات منتقل نمی‌شود و بر زن تکمیل همان عده لازم است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۹)؛ زیرا لزوم عده نتیجه عقد نیست، بلکه نتیجه وطی است (نجفی، ۱۳۱۷، ج ۳، ص ۲۸۴). مصداقی که برای این فرض توسط برخی فقیهان معاصر بیان شده و سابقاً به آن اشاره کردیم، موردی است که عقد با زن شوهردار توسط وکیل صورت گرفته و منتهی به زناشویی شده باشد که بر طبق مبنای ارائه شده (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ج، ص ۲۹) مصداق موضوع خواهد بود.

۴- کیفیت رعایت عده در فرض عدم تداخل

یکی از مسائلی که در فرض عدم تداخل عده مطرح است، این است که کیفیت رعایت عده به چه نحو است. علی الاصول بر تقدم هر عده بر عده دیگر آثاری مترتب می‌شود. امکان رجوع در ایام عده، ارث زوجین از یکدیگر در فرض فوت در ایام عده طلاق رجعی و جواز و عدم جواز استمتاع زوج در ایام عده وطی به شبهه از جمله این آثار است که در محل خود قابل بررسی است. در این مورد برخی فقیهان به طور مطلق بیان کرده‌اند: هر جا که دو عده در زن جمع شود، تداخل نمی‌کنند؛ بلکه هر کدام از عده‌ها را تکمیل می‌کند و برای این منظور عده اول را بر عده دوم مقدم می‌دارد (حلی، ۱۴۱۰هـ.ج، ص ۱۷۴۱). اما از آنجا که قول به تفصیل قوی‌تر به نظر می‌رسد لذا مسأله را در فروض ذیل پی می‌گیریم:

فرض اول- تقدم سبب عده وفات

برخی فقیهان در تقدیم عده وفات بر عده وطی به شبهه در صورتی که سبب عده وفات

مقدم بر سبب عده وطی به شبهه باشد، به صراحت روایت استناد جست‌اند/خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲۲، ص ۲۰۵.

فرض دوم- تقدم سایر اسباب

در بقیه موارد که سبب بعضی بر بعضی دیگر مقدم باشد، مثل موردی که در زمان عده طلاق وطی به شبهه صورت گیرد، مقدم داشتن سبب اول را واضح و بدیهی دانسته‌اند و می‌فرمایند: رفع ید از سبب اول و عمل کردن به سبب دوم احتیاج به دلیل دارد و ما چنین دلیلی در دست نداریم/خوئی، ۱۴۱۸ هـ ج ۲۲، ص ۲۰۵.

برای تقدیم سبب اول دو دلیل دیگر نیز ذکر کرده و گفته‌اند: اولاً سبب اول اسبق‌العلل است و با فرض وجود علت سابق زمینه‌ای برای علت لاحق باقی نمی‌ماند. ثانیاً در فرض تقدم عده طلاق و وفات، علت اقوی از علت وطی به شبهه است؛ چون طلاق و وفات از ناحیه یک شوهر حقیقی و واقعی صورت گرفته است؛ این اقوا بودن در عده تأثیر دارد تا وطی به شبهه‌ای که از ناحیه زوج تخیلی واقع شده باشد/زنجانی، ۱۴۱۹ هـ ج ۷، ص ۲۰۰. در این مورد صاحب‌جوهر به نقل از برخی فقیهان، ماجرای را در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که امام در این فرض، حکم فرموده‌اند ابتدا باید عده اولی تکمیل شود و سپس برای دومی سه قرء عده نگه دارد/نجفی، ۱۳۸۷، ج ۳۲، ص ۲۶۴. به همین دلیل، مرد می‌تواند در ایام عده رجوع نماید/جبیبی عاملی، ۱۴۱۳ هـ ج ۹، ص ۲۶۴ و با رجوع عده طلاق قطع شده، عده شبهه شروع می‌شود. البته در مواردی که زن از مرد دوم حامله گردد، باید ابتدا عده دوم یعنی حمل را تکمیل کند و سپس برای مرد اول عده جدیدی شروع نماید/حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۳، ص ۳۵.

تقدم عده وضع حمل بر سایر عدد در تمام موارد تداخل این عده با سایر است. اگر وطی به شبهه، اول واقع شود و بعد از آن طلاق صورت بگیرد، کیفیت تداخل را به دو صورت می‌توان تصور کرد:

- حالت اول این که مبدأ عده طلاق وقت طلاق بوده باشد و بعد از اتمام عده طلاق، عده وطی به شبهه تکمیل شود.

- حالت دوم این است که بعد از اتمام عده وطی به شبهه، عده طلاق شروع گردد.

به نظر برخی، اقرب این است که عده وطی به شبهه تکمیل و پس از آن، عده طلاق

شروع شود/جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ، ج ۹، ص ۲۶۵) به نظر می‌رسد دلیل حکم مزبور این است که با وطی مرد دوم، فراش نسبت به او محقق می‌شود/طوسی، ۱۳۸۷هـ، ج ۵، ص ۲۶۶) و فراش اول زایل می‌گردد و نیز سبب عده شبیه از نظر زمانی بر طلاق تقدم دارد؛ در این صورت، رجوع در عده شبیه برای مرد ممکن نخواهد بود؛ لکن زمانی که عده طلاق شروع شود، می‌تواند رجوع نماید. همچنین اگر طلاق وی بائن باشد، در زمان عده شبیه نمی‌تواند با زن ازدواج جدید نماید؛ بلکه باید تا زمان انتهای عده شبیه صبر کند. برخی نیز هر دو احتمال را مطرح کرده، در عین حال، عدم تداخل عدد را ثابت دانسته‌اند/کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲هـ، ص ۴۵).

یافته‌های پژوهش

۱- پذیرش نظریه انقلاب نسبت می‌تواند با حل تعارض بین روایاتی که به صورت مطلق بر تداخل دلالت می‌کنند از یک سو، و روایاتی که بر عدم تداخل به صورت مطلق دلالت دارند از سوی دیگر، راه سومی را ارائه نماید و در نتیجه قول به تفصیل بین موارد مختلف عده به وجود آورد.

۲- نسبت به خود زوج عده تداخل نمی‌کند و زن عده واحد نگه می‌دارد و نظر صحیح این است که اگر در عده طلاق شوهر فوت کند در طلاق رجعی زن عده وفات نگه می‌دارد لکن در طلاق بائن عده طلاق را ادامه می‌دهد و اگر زوج در عده طلاق رجوع نماید، یا در عده طلاق بائن زن را به عقد جدید به نکاح خود درآورد و دوباره طلاق دهد، باز هم یک عده بر وی لازم و واجب است و آن هم عده طلاق اخیر است.

۳- یکی از مباحث موجود در بحث تداخل عده، امکان استفاده از حیل شرعی در باب طلاق با استفاده از قواعد عدد متداخله است. به نظر گروهی از فقیهان اگر کسی زن را به طلاق بائنی مطلقه کند که عده دارد(خلع و مبارات) سپس در ایام عده او را به عقد خود درآورد و قبل از زناشویی او را طلاق دهد، به استناد عموم آیه «یا ایها الذین آمنوا إذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من قبل أن تمسوهن فما لکم علیهن من عده تغتدونها فتمتوهن و سرخوهن سراحاً جمیلاً» عده از زن ساقط می‌شود؛ لکن آن گونه که تحلیل شد، سقوط عده طلاق اول با

تحقق فراش جدید فقط در مورد زوج صادق است و دلیلی بر سقوط عده نسبت به سایرین وجود ندارد. این نظریه در مورد عده زن در نکاح موقت نیز جاری است؛ زیرا عده وی بعد از اتمام یا هبه مدت عده بائن است.

۴- فرضی که شوهر در عده رجعی، زن را به نکاح خود درآورد و قبل از زناشویی او را طلاق دهد، از بحث تداخل عده خروج تخصصی دارد و لذا توهمی که برای برخی در این مورد به وجود آمده است و تصور کرده‌اند که در این صورت زن عده ندارد، صحیح نیست؛ زیرا نکاح در عده رجعی رجوع به نکاح سابق محسوب می‌شود و طلاق بعدی با این وصف، طلاق بائن نخواهد بود.

۵- در مواردی که عدم تداخل عده را برمی‌گزینیم و دو عده تداخل نمی‌کند، عده‌ای که سبب آن مقدم است، بر عده‌ای که سبب آن مؤخر است مقدم می‌شود؛ مگر این که یکی از عده‌ها وضع حمل باشد که در این صورت عده وضع حمل مقدم خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، مجموعه فتاوی (۱۴۱۶هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول* (۱۴۲۷هـ)، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ هفتم
- بحرانی، یوسف بن احمد (آل عصفور)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة* (۱۴۰۵هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- بحر العلوم، محمد بن محمدتقی، *بلغه الفقیه* (۱۴۰۳هـ)، منشورات مکتبه الصادق، تهران، چاپ چهارم
- جبعی عاملی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- حکیم، سید محمدسعید، *فقه المرأة المسلمة* (۱۴۲۷هـ)، دار الهلال، قم، چاپ سوم
- حلی، محمد بن منصور (ابن ادریس)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (۱۴۱۰هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (۱۴۰۸هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه)، *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه* (۱۴۲۰هـ)، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول
- خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول* (۱۴۲۷هـ)، تحقیق و تعلیق عباس علی زارعی سبزواری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول
- خویی، سیدابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی* (۱۴۱۸هـ)، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول
- _____، *منهاج الصالحین* (۱۴۱۰هـ)، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم
- روحانی، سیدصادق، *فقه الصادق علیه السلام* (۱۴۱۲هـ)، قم، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول

زنجانى، سيد موسى شبيرى، كتاب نكاح (۱۴۱۹هـ)، قم، مؤسسه پژوهشى راي پرداز، چاپ اول

_____ المسائل الشرعيه (۱۴۲۸هـ)، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول
سبحانى، جعفر، نظام الطلاق فى الشريعة الإسلاميه الغراء (۱۴۱۴هـ)، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول

صافى گلپايگانى، لطف الله، هدايه العباد (۱۴۱۶هـ)، قم، دار القرآن الكريم، چاپ اول
طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار (۱۳۹۰هـ)، تهران، دارالكتب الإسلاميه، چاپ اول

_____ المبسوط فى فقه الإماميه (۱۳۸۷هـ)، تهران، المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه، چاپ سوم

_____ الخلاف (۱۴۰۷هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ اول

_____ النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى (۱۴۰۰هـ)، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ دوم

عاملى، محمد بن على، نهايه المرام فى شرح مختصر شرائع الإسلام (۱۴۱۱هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ اول
فيض كاشانى، محمدمحسن، مفاتيح الشرائع (بى تا)، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول

قى، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فى أجوبه السؤالات (۱۴۱۳هـ)، تهران، مؤسسه كيهان، چاپ اول

كاشف الغطاء، حسن بن جعفر، أنوار الفقاهه - كتاب الطلاق (۱۴۲۲هـ)، نجف اشرف، مؤسسه كاشف الغطاء، چاپ اول

كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوبه الكافى (۱۴۰۷هـ)، تهران، دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم

مجموعه نشستهای قضايى، مسائل حقوق مدنى (۱۳۸۶)، قم، نشر قضا، چاپ اول

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح (۱۴۲۴هـ)، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (۱۴۰۴هـ)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم

_____ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (۱۳۸۷)، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم